

## اعدام شیخ فضل الله نوری گزارش سفارت فرانسه از تهران<sup>۱</sup> (ترجمه: خ.ش)

تنها رویدادی این هفته گفتن دارد اعدام شیخ فضل الله [نوری] است. این شخصیت از طریق گزارش های پیشین این سفارت بیش از آن نزد حضرتعالی شناخت شده است که نیازی به آن باشد که در اینجا بکوشم تصویری از او به دست دهم. در میان محارم شاه، او، بخاطر شخصیت مذهبی اش که همواره بر محمد علی تفوق داشت، مشاور بود معتبر تر از همه که شاه بیش از همه به او گوش می داد. او راهنمای وجدان شاه بود، که بخاطر مقام حرفه ای اش و دادن اذن آئین پاک برای اقدامات سیاسی او، که گاه خطرناک و توسط دیگر مشاور او امیر بهادر [جنگ] به او تحمیل می شد، وجدان اعلیحضرت را آرامش می بخشید. این اخیراً آگاه شدیم که همو بود که شب پیش از بمباران مجلس در ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ [کودتای محمد علی شاه] شاه مردد را، که می هراسید که نکند مسجد مجاور مجلس [مسجد سپهسالار] هم دچار حریق شود، آرامش بخشید. چنانکه در نامه ی پیشین یادآور شدم، انقلابیون، دو روز، پیش دیگر اقدامات تلافی جویانه ی خود را با اعدام بدون محاکمه ی دو عامل شاه، که زیاد هم شایسته توجه نبودند، آغاز کرده بودند تا با دستگیری شیخ فضل الله ضربه ای کاری وارد آورند. او در ۲۹ اوت [۷ شهریور ۱۲۸۸] دستگیر شد و در ۳۱ اوت (۹ شهریور) در برابر محکمه ی انقلابی برده شد، که به این خاطر تشکیل شده بود، و با روشی عاجل به مرگ محکوم و فوراً در میدان بزرگ [سبزه میدان] به دار آویخته شد. با این همه، این اعدام که دولت از نظر سیاسی برای دلسرده کردن [هواداران محمد علی] ضروری تشخیص داد دو دردسر داشت.

[۱-] این قربانی با مقامی که در سلسله مراتب مذهبی داشت از جاهی مقدس غیرقابل تجاوز برخوردار بود. چگونه می شد، بدون شماتت برای توهین به مقدسات، بر یک چنین شخصیت روحانی دست انداخت؟ دولت، بیخاطر اینکه از وجدان خود حراست کند و تعهد دینی خود را بری از شک جلوه دهد، این احتیاط را کرد که در این مورد با مجتهدان کربلا، که از مدت ها پیش به امر آزادی متعهد بوده اند، مشورت کرد که بدون تأخیر، با تکیه به استدلال شرعی غیر قابل رد، جواب دادند که می شد این مرد را بدون دغدغه ی خاطر به قتل رساند.

[۲] چنانکه اخیراً اشاره ای به آن کردم، خطر دیگر این بود که با زیادی روی در یک سرکوب خونین، موجب خشم جناح راست حزب شود و خصومت خارجیان را برانگیزد، که عقایدشان بویژه برای قدرت جدید مهم است. بلافاصله پس از حلق آویز کردن [شیخ فضل الله] با پائین آوردن چوبه های داد [یعنی، دار] به میانه روها این رضایت خاطر داده شد که دیگر این آخرین اعدام بود. برای توجیه این اعدام در نظر خارجیان به روش ماکیاولی تری دست یازیده شد. این شایعه پخش شد که از جمله سنگین ترین اتهاماتی که محرک دادگله بود نامه ای بود به قلم شیخ فضل الله، یا خطاب به او، حاکی از سازماندهی توطئه ای که بایستی در روز شرفیابی هیأت های دیپلماتیک به نزد شاه اجرا می شد. بدین سان، توطئه گران امیدوار بودند که تلف شدن برخی اروپائیان کافی می بود که نیروهای نظامی روسیه مستقر در قزوین به تهران سرازیر شوند و انقلاب را خفه کنند. این توجیه، که تا حدی زشت بود، زائد بود، چه علاقه و توجه به شیخ فضل الله آنقدر ناچیز بود که اعدام او خارجیان را بیش از اعدام های پیشین متأثر بسازد. علاوه بر آن، این تقاضای شناسائی توسط خارجیان از طریق طرح هراسی در گذشته در برابر بی اعتنائی که به هنگام خطر واقعی شاهدش بودند تقریباً توهین آمیز به نظر رسید.

<sup>1</sup> Ministre de France en Perse à son Excellence Monsieur le Ministre des Affaires Etrangères, « La Révolution perse et l'exécution du Cheikh Fawlollah, » 6 août 1909, Archives du Quai d'Orsay, NS, Perse, 47, 197.

این اعدام‌ها، دست کم، تأثیری مفید برای بودجه خواهند داشت: اکنون که تنها روش‌های درست اخذ درآمد‌های مالی - مقصودم قرضه یا مالیات است -- غیرقابل دسترسی هستند، دولت تصمیم گرفته است که از خیر آن‌ها درگذرد. یکی از اعضای دولت، با این پاسخ مغرورانه که «در حال حاضر جز این کاری از دست ما ساخته نیست؛ ما "منابع درآمدی" داریم»، حتی حاضر نشد در مورد آن با سفارت روسیه مذاکره کند. چنانکه دیگر روز یادآور شدم، این کمک‌های [مالی] اجباری مخارج این استقلال مغرورانه را تأمین می‌کنند. دیگر کسی را به دار نمی‌آویزند، اما دولتمردان مشکوک به ثروت اندوزی از راه حقه بازی هستند دستگیر می‌شوند. به سختی می‌توان به اشتباه رفت، چه ثروتمندترین آنان انتخاب می‌شوند و بر اساس رقیمی فوضوی ثروت‌هایی که ایشان از طرق ناصالح کسب کرده‌اند جریمه‌ای به آنان می‌بندند. مقاومتی که در گذشته در مقابل این اقدامات نشان داده می‌شد پس از دار زدن دو سه نفر در هفته‌ی اخیر [؟] امری که مطالبه‌ی ارقام بمراتب بالاتری را میسر می‌سازد؛ با اطمینان به من گفته می‌شود که [ازین طریق] مشیر السلطنه [؟] رئیس هیأت پیشین وزراء، با کمتر از ۱.۵ میلیون فرانک خلاصی نخواهد یافت، و سعدالدوله وزیر پیشین امور خارجه نیز باید همین پیه را به تن بمالد.

این روش تأمین بودجه، که به سختی قابل دفاع است، در این مورد خاص با اهانت به قر بانیانش توجیه می‌شود. در این خودسری یک اصل عدالت وجود دارد که بر عامه ناخوشایند نیست: اینکه می‌بیند که دزدان گردن می‌نهند. اگر مردم مطمئن می‌شدند که این پول‌ها به صاحبان اصلی‌شان بازگردانده خواهند شد یا به مصلحت مملکت خرج خواهند شد، برای این اقدام حتی دست هم می‌زدند. اما ایرانیان، و حتی اروپائیان، این تمایل غیرقابل اصلاح را دارند که فکر کنند که پول‌های [دزدی] پس داده شده تنها ازین جیب به آن جیب می‌روند. تنها ضمانتی که امروز وجود دارد اینست که طلبکاران متعدد، گرسنه، و مراقب‌اند که منابع این درآمد‌های متزلزل محدود هستند.

ترتیب امور مالی شاه تقریباً پایان یافته است. دولت مستمری‌ای معادل ۷۵ هزار تومان خواهد پرداخت. این رقم قابل ملاحظه آنچنان بیش از مبلغ عرضه شده پیشین است که بدون تردید دولت تنها به آن تن داده است که بیرون راندن شاه را تسریع بخشد، اما با این فکوک در پس سر که رویدادهای آینده تعلیق آن را مجاز خواهند ساخت.

بنابر این، شاه روز ۱۷ [اوت / ۲۶ مرداد ۱۲۸۸] همراه با همسرش و گروهی بزرگ از همراهانش - که در میان‌شان نام معتمدش مجلل السلطنه، که بسیار مورد نفرت مردم است، و امیر بهادر جنگ، که عامه‌ی مردم خواهان انتقام از او هستند، به چشم می‌خورد - [تهران را] ترک خواهد گفت. من حیرت زده‌ام چگونه شاه که آنقدر زیاد ازین سفر می‌هراسید به آن رضایت داده است که بر تعداد همسفران مورد تهدیدش افزوده شود، بویژه دو نفر اخیر.

سربازان ایرانی به همراه سه قزاق روس و سه سپاهی انگلیسی او را تا قزوین همراهی خواهند کرد. از آنجا به بعد یک اسکورت روسی خواهد داشت. دشمنان شاه و امیربهاذر باید بسیار تحت تأثیر افسانه‌ای کاپیتولاسیون و مجازات‌های مترتب از آن قرار داشته باشند که بگذارند با حضور یک نیم دوجین سرباز خارجی خلع سلاح شوند.

[امضاء] وزیر مختار